

از لابلای یادداشت ها و نیشتهای روزمره ام

جابجایی رهبری اداره واشنگتن و تعویض ستراتیژی های افغانی امریکا تغییر موضع مراتب قدرت در ایالات متحده و سرنوشت درگیری های نظامی در کشور ما سرنوشت تعامل ایالات متحده با "طالب" ها بکجا خواهد انجامید؟

آیا با تغییر و تبدیل رهبری در واشنگتن، تحولاتی در شرف تکوین میباشد؟
فراز آمدن بایدن در واشنگتن و چگونگی موضعگیری های منظوقی
دشواری های موجود و چگونگی حل و فصل آنها
آوار قیاس و پندار صدها سال قبل

نظام سیاسی نظامی است که بامور سیاسی و دولتی می پردازد، این نظام اغلب با نظام حقوقی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و دیگر نظام های اجتماعی مورد مقایسه قرار می گیرد. البته این دیدگاه بسیار ساده ای از یک نظام بسیار پیچیده تر است که به مقوله هایی از این قبیل می پردازد که چه کسی باید در مصدر قدرت بوده و دولت چه تأثیری بر شهروندان کشور و اقتصاد داشته باشد. حکومت بمثابه ابزاری بمنظور اعمال سیاست های دولت پنداشته می شود. نوع حکومت و شکلی که کشور با آن اداره می شود، به نظام های سیاسی مختلف و ابزارهایی بستگی دارد که مورد استفاده شان قرار می گیرد. این نهادها معمولاً از سه بخش یا قوه تشکیل می شود: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه. تمام کشورها با حکومت هایی که از پی هم می آیند، اداره می شوند. هر حکومتی که جایگزین حکومت دیگر می شود، متشکل از بدنه ای از افراد است که تصمیم های اساسی را اتخاذ نموده و ویراجرای آنها نظارت می نمایند. کارکرد ایشان اینست که قوانین را تدوین نموده و آنها را عملی نمایند و در مواقع بروز اختلافات و درگیری ها، میان طرف های دعوا داوری نمایند. در برخی از جوامع، این حکومت ها بگونه ابدی یا مؤروثی کنترول و نظارت امور را در دست دارند. در دیگر جوامع که دموکراسی در آنها نهادینه گردیده، نقش های سیاسی در جای خود باقی می مانند، اما جابجایی در میان افرادی است که در این نقش ها و موقعیت ها قرار می گیرند. دانشمندان علم سیاست عمومی بحث می کنند که حکومت نباید به تنهایی مورد مطالعه قرار داده شود، بلکه این مطالع باید با انسان شناسی، اقتصاد، تاریخ، فلسفه، بررسی های علمی و جامعه شناسی همراه باشد.

در آغاز بحث کنونی، تذکر این مسأله، مهم پنداشته می شود که پس از فراز و نشیب ها و انتخابات کج دار و مریز پسین ریاست جمهوری ایالات متحده که با اقامه دعواهای طرف های دموکرات ها و جمهوری خواهان همراه بود، جویا بدن بنماینده از دموکرات ها، در میدان بازی بمثابه سکان دار حاکمیت کشورش شناخته شد. با تغییر رهبری دولت، ممکن رئیس جمهور تازه منتخب شده ایالات متحده، تغییراتی را در مجموعه سیاست کشورش وارد نموده و همچنان بادر نظر داشت وضعیت موجود تعویض رهبری اداره واشنگتن و با تفویض قدرت به جویا بدن ممکن تعامل و معا مله ترامپ با "طالب" ها مورد بازنگری قرار داده شود. با چنین وضعیتی و با در نظر داشت پس منظر حوادث، مسیر کنونی بکجا خواهد انجامید؟

شهروندان کشور عزیز ما افغانستان، منتظر آنند تا رئیس جمهور جدید منتخب ایالات متحده و سیاست گذاران کنونی واشنگتن، قبل از سایر موارد، اصل کلی گفتگوهای صلح کشور ما را مورد تجدید نظر قرار دهند. متذکر باید گردید که جویا بدن در آستانه تهیه و تدوین ستراتیژی جدید کشورش، بویژه در قبال قضایای افغانستان و منطقه، باید دقت بیشتری بخرچ داده و به نحوه دید، طرز نگاه و چگونگی مؤثریت عملکردهای ایالات متحده در کشور ما تحرک بیشتری وارد نماید.

در وسایل اطلاعات جمعی، از جمله در یکی از روزنامه های اطریشی ابراز نظرهایی به نشر سپرده شده و در ضمن

از متوقف گردیدن مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی خیرداد. با این حال، با انتخاب شدن جو بایدن بنماینده از دموکرات ها در انتخابات پست ریاست جمهوری ایالات متحده، ممکن گفتگوهای یادشده، پویایی لازمی اختیار نماید. اما مسأله ای که سبب ایجاد دشواری هایی در زمینه می گردد، از جمله یکی هم توافق ترامپ با "طالب" ها در اوایل سال روان ترسایی می باشد.

در این مورد پرسشی باین شرح ذهن همه را بخود معطوف می نماید که آیا لغو توافق یاد شده، مطرح بحث می باشد و یا بمنظور از قوه بفعل مبدل آن، سعی و تلاش بعمل خواهد آمد؟

بخاطر باید داشت که در اینجا سخن در مورد توافق ایالات متحده و "طالب" ها منعقدۀ دوحه که بمثابة تعامل تاریخی مسمأ گردیده، در میان می باشد. پس از آن، واشنگتن، دولت افغانستان راجرای شرایط لازم مراعات نمودن توافق یادشده ترغیب نمود. اما "طالب" ها باجراً و عملی نمودن وعده ها و مسئولیت های شان پشت پا زدند. علاوه بر آن، سطح خشونت ها در کشور افزایش یافته و توافق دوحه در مجموع، بمنظور حل و فصل معضل و مشکل واحد و یگانه ای هم ممد واقع نشد. عده ای هم معتقدند که در مورد یاد شده، مسایل دوگانه ای مطرح بحث می باشد که عبارت از قطع آتش درگیری ها و گسستن و قطع هر نوع ارتباط با "القاعده" که تاکنون، مسایل و موارد یادشده توسط "طالب" ها نادیده گرفته شده است. همچنان ابراز نظر هایی نیز بعمل آمده که حتا بمشکل بتوان منتظر فسخ و لغو توافق دوحه توسط جو بایدن بود. چنین بنظر میرسد که جو بایدن، وسعت بخشیدن باصطلاح طرح سیاسی خودش را در صورت ممکن برای هر دو طرف در نظر دارد.

برای "طالب" ها، توافق و تعامل دوحه از اهمیت منحصر بفردی برخوردار بوده و آنرا بمثابة سند تسلیمی بدون قید و شرط طرف مقابل محسوب می نمایند. اما در واشنگتن، آنرا پیروزی و موفقیت سیاسی و بمثابة بنیادی بمنظور حل و فصل قضایای کنونی می پندارند. بدین ترتیب، حتا با وجود خانه تکانی در کاخ سپید و ایجاد اداره جدید واشنگتن، صحنه سازی های ارائه شرایط دشوار بمنظور تطبیق و اجرای عملی توافق و تعامل دوحه بمشاهده رسیده و سخنی در مورد فسخ آن اصلن مطرح نمی باشد. همچنان از این مسأله نیز یادآوری بعمل می آید که ایالات متحده بگونه جدی خواهان قطع روابط و خاتمه بخشیدن همکاری "طالب" ها با "القاعده" و توقف اقدامات مسلحانه توسط آنها خواهد گردید.

اکنون، با ارتباط مسایل یادشده، در مورد ستراتیژی ناتو در کشور بایست متذکر گردید که از تعاملات دوحه، حصول نتایج ملموسی اصلن انتظار برده نمی شود، اما سلسله رهبری و مراجع قدرت در ایالات متحده، اصلن در صدد لغو گفتگو های دوحه نبوده و قطع مذاکرات یادشده، از جانب "طالب" ها نیز بعید بنظر می رسد. چه، قبل از انصراف از قالب مو رد نظر و چارچوکات تعیین شده، پیگیری و تداوم موارد دیگری، لازمی و ضروری پنداشته می شود. اما در شرایط و وضعیت کنونی، ایالات متحده در عرصه دستیابی به شیوها و وسایل جدیدی بمنظور همکاری با روسیه و چین، بو یژه در مورد چگونگی گفتگوهای میان افغانی، از آمادگی های لازم برخوردار نمی باشد. با این وجود، بدون شک و بگمان اغلب که ستراتیژی جدید واشنگتن، بگونه مستقیمی، تحت مدیریت جو بایدن تهیه و تنظیم خواهد گردید. اما نباید فراموش نمود که بو یژه در امتداد ماهای پسین، موقف و موضعگیری های ایالات متحده و ناتو بو یژه در مورد کشور ما، کاملن از هم متفاوت بوده است. دونالد ترامپ در صدد کاهش نظامیان کشورش از سرزمین و اراضی مر بوط با افغانستان شده و فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما را در اولویت های کاری ادره واشنگتن قرار داد. "طالب" ها با نشر اعلامیه هایی از اقدام یادشده ترامپ استقبال نموده و از تعهدات درج شده در موافقتنامه دوحه، یاداً وری بعمل آوردند. اما از جانب دیگر، جو بایدن بنوبه خویش، اصل مرمت و ترمیم کاری مناسبات و روابط و همکار یهای قبلی متحدان داخل ناتو را در اولویت کاری اش قرار داده و بیشتر از پیش بمنظور تحکیم وحدت و یگانگی ناتو همت خواهد گماشت. چنین پیشبینی هایی نیز بعمل می آید که ممکن نامبرده موقف قاطع و جدی در قبال "طالب" ها اتخاذ نموده و همچنان مخالف جشن و پایکوبی در مورد زمانبندی خروج نظامیان امریکایی از افغانستان می باشد. ناتو در نظر دارد تا در صورت کاهش سطح خشونت ها، فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را در دستور کار قرار دهد.

پرسش زمانبندی فراخواندن نظامیان ناتو از سرزمین کشور ما، بیش از همه در ستراتیژی امنیتی تدوین شده در جمهوری های آسیای مرکزی مشخص خواهد گردید. همه با این امر متفق الرأی بوده و هم نظر می باشند که از سال ها بدینسو، این واقعیت عملن مورد تأیید قرار گرفته که بمنظور حل و فصل معضل کشور ما اصلن راه حل و فصل نظامی

متصور نمی باشد.

فراخواندن قسمی قوت های نظامی ایالات متحده از اراضی کشورما از زمامداری بارک اوباما، زمانی که جو بایدن مسئولیت معاونیت ریاست جمهوری کشورش را برعهده داشت، آغاز گردیده و بدین ترتیب، با موجودیت جهات متفاوت تاکتیکی، مسأله تقلیل و در نهایت، فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما، بگونه کلی، اجماع هر دو حزب مطرح در ایالات متحده را در دستور روز قرار می دهد. اظهار نظرهایی در مورد یادشده موجود می باشد که گویا سخن از کاهش تعداد مجموعی نظامیان خارجی موجود در کشورما مطرح بحث بوده و اما در وضعیت و شرایط کنونی و حاضر در کشور از فراخواندن کل نظامیان یادشده از کشورما، بمشکل بتوان سخن گفت. همچنان در مورد معضل فراخواندن نظامیان ناتوا از اراضی کشورما، به نوع نگاه و طرز دید جمهوری های آسیای میانه نباید کم بها داد.

بخاطر باید داشت که مأموریت کنونی در کشورما برای ناتو از اهمیت سیاسی مهمی برخوردار می باشد. چنانچه همه می پذیرند که ائتلاف جهانی اصلن نمی تواند برنامه کنونی در مورد کشورما را نیمه کاره و ناتمام رها نماید. مسأله یادشده برای دونالد ترامپ از اهمیت آنچنانی برخوردار نبوده، اما برای جو بایدن چنین خواهد بود. بلکه همبستگی بین القاروی برقرار شده و اصل خروج نظامیان امریکایی از کشورما بحالت تعلیق در خواهد آمد. در چنین وضعیتی و با موجودیت حالت اینچنینی، ممکن دولت برهبری جو بایدن، توجه بیشترش را به کل مناطق جمهوری های پسا شوروی در آسیای میانه معطوف نماید.

نه تنها کشور عزیزما افغانستان، بلکه جمهوری های آسیای میانه نیز می توانند در مورد پیشنهادات تازه اقتصادی، حساب باز نمایند. همزمان با آن، از تشدید مبارزه فدراتیف روسیه، جمهوری مردم چین و ایالات متحده بمنظور وسعت ساحه نفوذ و تأثیرگذاری شان بر منطقه یادشده، نباید لحظه ای هم چشم پوشی بعمل آید. براین بنیاد، فرصت های جدیدی بمنظور انجام مانورهای چند جانبه برای کشورهای منطقه پدید آمده است. فروریزی اتحاد شوروی تنها در وضعیت کنونی و اکنون و نه در آغاز دهه ۹۰ سده ۲۰، وارد مرحله تعیین کننده خود گردیده است.

بسیاریها هم چنین میبندارند که با راه یافتن جو بایدن به کاخ سپید، سیاست های ایالات متحده در مورد افغانستان و عراق متحول خواهد گردید. مسأله یادشده بگونه بلاواسطه ای با تهدید ثبات وضعیت در خاورمیانه توسط "القاعده" و شبکه "خراسان" "دولت اسلامی" و تداوم تهدیدهای یادشده در مناطق جنوب غربی آسیا بشمول افغانستان، سبب ایجاد نگرانی هایی گردیده است.

بخاطر باید داشت که تیم جو بایدن در مورد افزایش تعداد نظامیان کشورشان در افغانستان و عراق، بمشکل موافق خواهند بود. آنها چنین می پندارند که بحضور تعداد بیشتر نظامیان امریکایی در قلمرو اراضی افغانستان، نباید دل خوش نمایند. همچنان یادآوری بعمل می آید که در صورت وخامت اوضاع امنیتی و تشدید اقدامات دهشتگرانه در افغانستان، باید با قوت بیشتر و با تعداد بیشترین نظامیان آن کشور بمنظور تداوم مبارزه علیه بنیاد گرایی و تروریسم باید وارد افغانستان شوند. آنها همچنان ادعا می ورزند که با اجرای عملی تصامیم ترامپ مبنی بر فراخواندن کامل نظامیان کشورش از افغانستان، سوریه و عراق، این "دولت اسلامی" است که با افزایش و تشدید حملات و اقدامات تروریستی مبادرت خواهد ورزید.

قابل یاد آوری پنداشته می شود که توافقنامه صلح ماه دلو سال پارترامپ با "طالب" ها، زمینه آنرا فراهم نمود تا با خروج نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی کشورما، "القاعده" قادر گردد تا مناطق و موارد از دست رفته اش را بار دیگر بدست آورده و سرانجام پس از دوده خونین و مملو از درد ورنج، مجددن به سازماندهی جنگجویانش و انجام اقدامات مسلحانه و تروریستی مبادرت ورزند.

ساده لوحانه است اگر تصور گردد که "طالب" ها با اجرای عملی تعهدات شان مبادرت ورزیده و با حسن نیت و از نزد یک با دولت افغانستان کار نموده و روابط و مناسبات شان را با "القاعده" و سایر سازمان ها و دسته بندی های تروریستی قطع نموده و به همکاری و مشارکت شان در برنامه های تدوین شده خرابکارانه دهشت افگنان خارجی و بیگانه نقطه پایان بگذارند.

شهر وندان کشور عزیزما، در جریان ماه میزان سال روان، شاهد نمایش قدرت و برخ کشیدن اراده "طالب" ها بمنظور تداوم درگیری های مسلحانه بودند که در نتیجه آن بتعداد ۴۰ تن از منسوبان قهرمان پولیس کشوررا در مرز بوبات ولایت هلمند به شهادت رسانیدند.

بربنیاد اظهاراتی، بایدن با شرایط و وضعیت بغرنج و پیچیده ای در مورد امنیت ملی کشورش و تشدید تقابل و رویاً

رویی با سازمان های تروریستی، از جمله با تهدیدهای مداوم "دولت اسلامی" و "القاعده"، مواجه بوده و پرداختن به مسایل گفته آمده در اولویت های کاری اداره و اشننگتن قرار دارد.

ایالات متحده در صدد آنست تا نظامیان را از سرزمین کشور ما بگونه ای بخانه باز گرداند تا "هم گراگ ها تغذیه شوند و هم گوسفندها سالم باقی مانند". با اینحال، توافقنامه صلح امریکایی ها با "طالب" ها، می تواند بنحوی از انحاء با اقدامات مسلحانه تأثیرگذار باشد.

نباید فراموش نمود که چگونگی وضعیت در کشور چنان است که شاهد نضج گیری مقدمات زد و خورد های مسلحانه هم در داخل کشور و همچنان، وسعت تهدیدهای تروریستی باراضی و قلمرو کشورهای آسیای میانه می توان بود. مدتی قبل، با انجام سفر وزیر امور خارجه ایالات متحده بکابل و ملاقات نامبرده با رئیس جمهور کشور و رئیس شورا ی عالی مصالحه ملی، در مورد مسایل مورد علاقه، بحث و مذاکره نمود. اما تشدید حملات تروریستی و انجام قتل های هدفمند و سازماندهی شده، بویژه کشتن خبرنگاران و اهل مطبوعات کشور و زد و خورد هایی میان قوت های مسلح کشور و مخالفان سوگند خورده امنیت، نیز در مناطق و محلات مخلف کشور همچنان تداوم حاصل نمود.

قابل یاددانی پنداشته می شود که تداوم تیراندازی ها بویژه در جریان "گفتگوهای میان افغانی" و انجام ترورها، وضعیت کشور را با بن بست مواجه نموده و موانعی در امر فراخواندن نظامی های امریکایی به کشورشان ایجاد می نماید. در نتیجه توافق یادشده، هزاران زندانی "طالب" ها از زندان های کشورها گردیدند. و اشننگتن، بیشتر از این فرصت محدودی بمنظور انجام مانور داشته و اما جنگ همه علیه همه همچنان ادامه کسب خواهد نمود.

درباره فراخواندن بیشترین بخش نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی کشور ما الی ۱۵ ماه جنوری سال ۲۰۲۱ باید افزود که با انجام چنین امری، آیا برای بسیاری از متحدان ایالات متحده بمثابه ختم درگیری های مسلحانه و انجام مأموریت های ناتو در کشور ما پنداشته می شود؟

پس از آنکه در ماه اکتوبر سال روان دونالد ترامپ اعلام نمود که قبل از سال نوترسای، نظامیان کشورش از افغانستان ن را فرا خواهد خواند، منشی عمومی ناتو نیز اظهار نمود که ما یکجا با افغانستان آمدم، یکجا باهم باجرا و وظایف محوله مبادرت ورزیده و فعالیت های خویش را هماهنگ نمودیم و زمانی هم که شرایط و وضعیت را مناسب یافتیم، یکجا باهم از افغانستان خراج خواهیم شد و نه قبل از آن.

کریستوفر میلر، رئیس پنتاگون در مورد برنامه ترامپ اظهار نمود که الی تاریخ ۱۵ ماه جنوری سال ۲۰۲۱، ایالات متحده، تعداد مجموعی نظامیانش را از ۴۵۰۰ تن به ۲۵۰۰ تن کاهش خواهد بخشید.

قابل یاددانی پنداشته می شود که هیچیک از متحدان ناتو، بیشتر از آنچه در افغانستان ضرورت باشد، آرزومند و خواستار تداوم عملکردهای شان در اراضی متعلق به کشور ما نمی باشند.

اما عده ای از نظامی ها چنین می پندارند که هنوز هم شرایط در وضعیت قرار ندارد که همه نظامیان ناتو از افغانستان ن فراخوانده شوند، چه بگفته آنها، مقدمات لازمی و ضروری برای اینکار هنوز مساعد نبوده و زمینه چنین اقدامی تا کنون فراهم نگردیده است.

شماری هم مدعی اند که با موجودیت مخالفان مسلح، انجام اقدامات نظامی و تشدید خشونت ها، هنوز زمان فراخو ندن کامل نظامیان خارجی از افغانستان فرا نرسیده و در زمینه باید منتظر فرصت مساعد بود.

نباید آنچه در امتداد سال های پسین اتفاق افتاد، تکرار گردیده و فرصت های پیش آمده را نباید بهیچ قیمتی از دست داد.

تعلل در تصمیمگیری و پشت پا زدن باجرا و تعهد، در نوع خود تبعات غیر قابل پیشبینی را بدنبال خواهد داشت، در این زمینه با استفاده اعظمی از تجربیات دیگران باید از کوچکترین فرصت، بیشترین استفاده بمنظور دستیابی به منافع عالیای کشور عزیز ما بعمل آید.

در بررسی و پژوهش قضایای مربوط بکشور عزیز ما باید نهایت سعی بخرچ داده شود تا با در نظر داشت آنچه در جهان پیرامون ما اتفاق میافتد و آنچه که باید اتفاق افتد و اما زمینه و امکان آن میسر و مهیا نمی باشد، باید اندیشید.